

گزارش

سخنگوی وزارت امور خارجه:

شروع مذاکرات منوط

به اجرای بندهای تفاهم‌نامه است

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران گفت: باید طی روزهای آینده روند جاری را ارزیابی کنیم و براساس آن تصمیم بگیریم که به چه شکلی و در چه زمانی مذاکره برای توافق نهایی را شروع کنیم. همچنین هیچ تنگسستی با آمریکایی‌ها برای روزهای آینده برنامه‌ریزی نکرده‌ایم. اسماعیل باقایی در نشست خبری دیروز خود در پاسخ به پرسشی درباره ادعاها در مورد مهلت دولت عراق به گروه‌های مقاومت برای خلع سلاح و ادعا در مورد بخش‌های مخفیانه توافق دولت لبنان و رژیم اسرائیل برای خلع سلاح حزب‌الله لبنان پاسخ داد: ربطادان این دو مسئله به یکدیگر صرفا می‌تواند یک تحلیل رسانه‌ای باشد. در رابطه با مسئله لبنان، موضع ما روشن است. تعهد ایالات متحده آمریکا برای خاتمه‌دادن به جنگ در تمامی جبهه‌ها، ازجمله جبهه لبنان، یک تعهد صریح و آشکار است که وفق بند اول یادداشت‌تفاهم بر آن تأکید شده است. اسماعیل باقایی خاطر‌نشان کرد: برای ما ملاک اصلی، پایبندی آمریکا به این تعهدات و وادارکردن رژیم صهیونیستی توسط آمریکا به اجرای این تعهدات است؛ چراکه طرف توافق جمهوری اسلامی ایران در این یادداشت‌تفاهم، آمریکااست و این کشور موظف است در هر مقطعی که لازم باشد، رژیم صهیونیستی را نیز وادار به اجرای تعهدات خود کند. در مورد هرگونه ادعا، توافق با عدم توافقی، ملاک اصلی برای سنجش میزان پایبندی آمریکا صرفا متمر همین یادداشت‌تفاهم است. مقاومت و ملت لبنان با تکیه بر تجارب ذی‌قیمتی که طی سالیان متمادی از رفتار و عهدشکنی‌های رژیم صهیونیستی اندوخته‌اند، قطعا به بهترین نحو ممکن و براساس مصلحت، عزت، حاکمیت ملی و استقلال کشور خود، در این زمینه تصمیم‌گیری و برخورد خواهند کرد.

مداخلات صرفا موجب پیچیده‌تر شدن وضعیت خواهد شد

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به این پرسش که «اظهاراتی را سوی امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه، در خصوص تنگه هرمز مطرح شده است که براساس آن اعلام کرده این کشور به همراه عمان و چند کشور دیگر قصد دارد در زمینه لاریویی تنگه هرمز اقدام کند و شب گذشته نیز وزیر امور خارجه با همتای فرانسوی خود تماس تلفنی داشته‌اند، موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال این اظهارات چیست؟» گفت: به نظر می‌رسد اظهار نظر درباره همه موضوعات، نه نشانه مسئولیت‌پذیری است و نه موجب افزایش اعتبار برای کشورها خواهد شد. صورتی است همه کشورها در جهت تشخیص دقیق حدود و مرزهای خود اقدام کنند و توجه داشته باشند که در طرف در آن موارد، مسؤلانترین و سازندهترین رویکرد آن است که اجازه داده شود امور به صورت طبیعی و منطقی پیش برود. پیش‌تر نیز بارها اعلام شده که تعهد جمهوری اسلامی ایران براساس یادداشت‌تفاهم خاتمه جنگ، مورخ ۲۸ خرداد ۱۴۰۵، درخصوص تنگه هرمز روشن است. جمهوری اسلامی ایران بهتر از هر طرفی به مسئولیت‌هایش واقف است و توان ایفای آنها را نیز دارد و نیازی به مداخله دیگران وجود ندارد. مداخلاتی که حتی اگر با نیت خیر نیز صورت گیرد، در عمل صرفا موجب پیچیده‌ترشدن وضعیت خواهد شد.

اصل ما در مذاکرات، «تعهد در برابر تعهد» است

در ادامه این نشست خبری، سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به این پرسش که «قریب به ۲۰ روز از امضای یادداشت‌تفاهم تفاهم‌آباد می‌گذرد، جدا از جزئیات این مذاکرات و وضعیت‌هاست که در طرف در آن قرار دارند که شما شنیدیم مشخصات آن را تشریح کردید، نگرانی‌ای در حال شکل‌گرفتن است مبنی بر اینکه اجرای این یادداشت‌تفاهم، با توجه به دو مسئله، یکی مفاد متن آن که اجرای بخش‌هایی را به همراهی اسرائیل آن، ولو به شکل غیرمسقیم، متصل کرده و دومی حاشیه‌های تأثیرگذار ازجمله اراده آمریکا برای نت دادن به تعهداتش، با سختی‌های بسیار روبه‌روست می‌تواند رسیدن به نتیجه را حتی غیرممکن کند. نگاه وزارت خارجه به این وضعیت چیست؟ تا چه اندازه فکر می‌کنید چالش‌ها می‌تواند مانع از حرکت یادداشت‌تفاهم در مسیر تعیین‌شده شود؟ این نگرانی‌ها ناخودآگاه ذهن را به سمت تکرار سناریوی جنگ هم می‌برد؟» توضیح داد: از ابتدایی که ما وارد این روند دیپلماتیک شدیم، کسی تصور یک فرایند روان و بدون چالش را نداشت. در نظر داشته باشید که این روند دیپلماتیک بعد از دو جنگ در کمتر از یک سال، شروع شد؛ در فضای روشن شدید، در فضای بدگمانی و با توجه به تجارب قبلی، تجارب عهدشکنی آمریکا و کارشکنی‌های رژیم صهیونیستی، ما انتظار داشتیم در مرحله اجرا با چالش‌هایی مواجه شویم. او ادامه داد: در عین حال، از همان ابتدا فکر می‌کنم برای همه شما روشن شده که اصل «تعهد در برابر تعهد» به این معناست که ما تا زمانی تعهدات خود را اجرا می‌کنیم که طرف مقابل هم تعهدات خود را اجرایی کند. قرار نیست تعهدی به صورت یک‌سویه و یک‌جانبه اجرا شود. تعهدات طرفین کاملا روشن و شفاف هستند. سخنگوی وزارت خارجه خاطرنشان کرد: متن یادداشت تفاهم خیلی دقیق و روشن نگارش شده است. هم در بند یک مشخص است که توقف جنگ در همه جبهه‌ها باید شامل لبنان شود و هم اینکه آمریکا، به‌عنوان طرف دیگر یادداشت‌تفاهم، باید به تعهدات خود پایبند باشد و در رابطه با لبنان هم هر کاری که لازم است، انجام بدهد تا تجاوزهای نظامی رژیم صهیونیستی علیه لبنان متوقف شود. با در نظر گرفتن این پیشینه و مشخصات، ما باید به صورت لحظه‌ای ایفای تعهدات طرف مقابل را رصد کنیم. هر جا که لازم باشد، از ابزارها و اهرم‌های خود برای صیانت از منافع ملی و امنیت ملی ایران استفاده خواهیم کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سوآلی درخصوص شرایط لازم برای برگزاری نشست بین ایران و مقامات آمریکایی در راستای یادداشت‌تفاهم، توضیح داد: نشست باید هدفی داشته باشد و ضرورتی ایجاد نشود تا انجام بگیرد. اگر منظورتان شروع نشست برای آغاز مذاکرات مربوط به توافق نهایی است، لازمه‌اش این است که اجرای همه بندهایی از یادداشت‌تفاهم که اشاره کردم (یعنی بندهای ۴،۱، ۵،۱ و ۱۱) شروع شود و این اجرا تداوم هم پیدا کند. او ادامه داد: من عرض کردم که در رابطه با برخی از این بندها، روند اجرا هم شروع شده است و هم ادامه دارد. ما باید طی روزهای آینده روند جاری را ارزیابی کنیم و براساس آن تصمیم بگیریم که به چه شکلی و در چه زمانی مذاکره برای توافق نهایی را شروع کنیم.

نگاهی به آینده نظم منطقه‌ای و روابط ایران با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در گفت‌وگو با محمدطاهر بانی

کشورهای حوزه خلیج فارس امروز بیشتر به پیمان امنیتی با ایران نیاز دارند

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ اگرچه پس از امضای تفاهم میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده و آغاز دور تازه مذاکرات در سوئیس، بار دیگر تنش‌ها و رویارویی‌هایی میان تهران و واشینگتن در منطقه خلیج فارس پدید آمد، اما بسیاری از نظران بر این باورند هم‌زمان، فصل تازه‌ای در مناسبات ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس گشوده شده است. تحركات دیپلماتیک قطر، عمان و امارات برای عادی‌سازی و گسترش روابط با تهران، همراه با تلاش‌های عربستان سعودی برای پیشبرد ایده «پیمان امنیت جمعی منطقه‌ای»، از نشانه‌های این تحول به شمار می‌رود. در عین حال، گمانه‌زنی‌هایی نیز درباره میزبانی دوباره دوحه از دور تازه‌ای از گفت‌وگوهای ایران و ایالات متحده مطرح شده است؛ هرچند تا زمان تنظیم این نوشتار، هیچ خبر رسمی و قطعی در این باره منتشر نشده و مقامات کشورمان نیز برگزارچی چنین نشستی را تأیید نکرده‌اند. با وجود این، بسیاری از تحلیلگران بر این باورند مناسبات جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عربی منطقه در آستانه تحولی بنیادین و ورود به مرحله‌ای تازه از بازتعریف و بازآرایی قرار گرفته است. از این حیث، واکاوی ابعاد این نظم نوظهور و چشم‌انداز روابط ایران با همسایگان آسیا و محورگفت‌وگوی پیش‌رو با حجت‌الاسلام‌المسلمین محمدطاهر ربانی، سفیر پیشین جمهوری اسلامی ایران در قطر و واتیکان است که مشروحش را می‌خوانید.

-
-
-

مایلم بحث را از نقطه فعلی در روابط ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس آغاز کنیم. تهران پیش از آغاز جنگ ۲۰روزه بارها تأکید کرده بود آغازگر هیچ جنگی نخواهد بود و در صورت تکمیل جنگ، صرفا در مقام دفاع از خود ناچار خواهد بود که مواضع، پایگاه‌ها و نیروهای ایالات متحده آمریکا در منطقه را هدف قرار دهد. اما کمتر کسی تصور می‌کرد روابط ایران با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تا این اندازه تحت تأثیر قرار گیرد. اکنون در شرایطی قرار داریم که فضای عمومی آمیخته‌ای از بیم و امید است. ارزیابی شما از شرایط کنونی چیست؟ آیا روابط ایران با کشورهای منطقه را همچنان قابل احیا و بازسازی می‌دانید؟

بله من به آینده روابط خوش‌بین هستم. اما پاسخ به سؤال شما و اینکه ما در چه نقطه‌ای از روابط با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس قرار داریم، مستلزم آن است که یک ترسیم دقیق از وضعیت قبل و بعد از جنگ ۲۰روزه داشته باشیم. روابط جمهوری اسلامی ایران با همسایگان خود در حوزه خلیج فارس طی حدود چهار دهه گذشته، عمدتا بر پایه همسایگی، احترام متقابل و حسن همجواری استوار بوده است. البته در این میان، برخی دولت‌های منطقه تحت تأثیر سیاست‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، تصور می‌کردند انعقاد پیمان‌های امنیتی با آن کشور می‌تواند امنیت و ثبات آنان را برای همیشه تضمین کند. در طول سال‌های گذشته، در دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران همواره به کشورهای همسایه، به‌ویژه دولت‌های حاشیه خلیج فارس، هشدار داده بود که ایجاد پایگاه‌های نظامی بیگانه در خاک خود، آن هم با عنوان تأمین امنیت، در نهایت به سود آنان نخواهد بود. واقعیت این بود که این قدرت‌ها بدون آنکه تعهدات روشنی در قبال امنیت میزبانان خود داشته باشند، عملا تحقک و زاندارم منطقه را برای خود قائل بودند و از این پایگاه‌ها در راستای تحقق اهداف و برنامه‌های نظامی خویش بهره می‌بردند. نمونه روشن این مسئله را در جریان حمله به عراق و سرنگونی رژیم صدام حسین مشاهده کردیم؛ جایی که بخش مهمی از عملیات نظامی آمریکا از پایگاه‌های مستقر در کشورهای منطقه، از جمله قطر و کویت انجام شد. با این حال، دولت‌های منطقه کمتر به این واقعیت توجه داشتند که ممکن است روزی همین حضور نظامی، امنیت استراتژیک خود آنان را نیز با مخاطره مواجه کند. تحولات جنگ ۱۹روزه و سپس جنگ ۴۰روزه نیز نشان داد ایالات متحده و رژیم صهیونیستی بیش از آنکه دغدغه امنیت کشورهای منطقه را داشته باشند، صرفا در پی تأمین اهداف و منافع خود هستند و نسبت به پیامدهایی که این اقدامات می‌تواند برای دولت‌های حوزه خلیج فارس به همراه داشته باشد، توجه چندانی ندارند. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران با اتکا به برنامه‌ریزی دقیق نیروهای مسلح، فرماندهان نظامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیز تلاش‌های دستگاه دیپلماسی، توانست معادلات را تا حد زیادی به سود خود تغییر دهد و بخشی از طمع‌ورزی دشمنان، به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی را خنثی کند.

ک **همین‌جا توقف کنیم؛ موضوع صرفا معادلات جنگ ۴۰روزه نبود. مسئله دیگر ناظر به تحولات تنگه هرمز نیز بود که شرایط خاصی بر روابط با ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تسبیل کرده و کمکان تأثیراتش باقی است. چون معادلات تنگه همچنان رویز است؟**

اتفاقی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ایران در این مقطع، موقعیت راهبردی تنگه هرمز بود. این ظرفیت، نعمتی الهی برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

ک **خب چرا ما قبل‌تر از این نعمت استفاده نکردیم؟**

ما می‌توانستیم استفاده کنیم. حتی در دوران جنگ تحمیلی هشت‌ساله نیز ایران می‌توانست از این اهرم بهره بگیرد، اما به دلیل اهتمام به حفظ امنیت منطقه و جلوگیری از آسیب‌رسیدن به همسایگان، هرگز از آن به عنوان ابزار فشار استفاده نکرد.

ک **پس چرا الان از کارت تنگه هرمز استفاده شد؟**

هنگامی که برخی دولت‌های منطقه در مسیر همکاری با رژیم صهیونیستی و عادی‌سازی روابط با این رژیم گام برداشتند و زمینه نامن‌سازی منطقه را فراهم کردند، شرایط تغییر یافت. در همین چارچوب، رهبر شهید انقلاب به صراحت اعلام کرده بودند اگر تعرضی علیه جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد، پاسخ ایران محدود به مرزهای خود نخواهد بود و ابعاد منطقه‌ای خواهد داشت. در جریان این تحولات، برخی کشورهای منطقه کوشیدند ظاهر روابط خود با ایران را حفظ کنند، هرچند در پشت پرده همکاری‌هایی با دشمنان جمهوری اسلامی داشتند؛ اما برخی دیگر، هم در عرصه آشکار و هم در پشت صحنه، عملکرد مناسی از خود نشان ندادند. پس ایران هم باید از همه اهرم‌های خود استفاده کند؛ چون موضوع امنیت ملی، منافع ملی و تمامیت ارضی است.

البته با وجود همه این فراز و فرودها، جمهوری اسلامی ایران پیش از جنگ ۲۰روزه و طی سال‌های گذشته همواره تلاش کرده است با خویشترداری و حفظ آرامش، از گسترش تنش در منطقه جلوگیری کند. با این حال و در جریان جنگ تحمیلی اخیر، شرایطی بر کشور تحمیل شد که امکان اجتناب از رویارویی وجود نداشت و اتفاقا پس از آنکه درخواست آتش‌بس از سوی دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو مطرح شد و زمینه شکل‌گرفتنی فراهم آمد، دیدیم برخی دولت‌های منطقه نیز تمایل خود را برای بازسازی روابط با جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند.

ک **بله، در رأس آنها قطر و اماراتی‌ها بودند؟**

بله، حتی در اوج بحران امنیتی، هیئت‌هایی از برخی کشورهای منطقه به ایران سفر کردند و آمادگی خود را برای عادی‌سازی روابط و آغاز فصل جدیدی از همکاری‌های دوجانبه ابراز داشتند. همچنین گزارش‌هایی منتشر شد که بر اساس آن، برخی از این کشورها آمادگی خود را برای مشارکت در جبران خسارت‌ها، ایجاد صندوق‌های توسعه و همکاری در بازسازی بخش‌هایی از خسارات ناشی از جنگ اعلام کرده بودند؛ موضوعی که در آن مقطع در محافل مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

ک **با توجه به مجموعه تحولات اخیر، آینده نظم امنیتی منطقه و مناسبات ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا روند کنونی به سمت تثبیت آرامش و اجرای توافقات پیش خواهد رفت یا همچنان باید انتظار تداوم تنش‌ها و اقدامات تحریک‌آمیز را داشت؟**

با وجود تفاهم‌نامه‌ای که میان رؤسای جمهور دو کشور، آقای دکتر پزشکیان و دونالد ترامپ، به امضا رسیده است، فضا قدری مثبت شد. متأسفانه پس از آن شاهد برخی اقدامات منفی و تنش‌آفرین بوده‌ایم. از جمله توافقاتی که با نظارت آمریکای میان رژیم صهیونیستی و دولت لبنان به امضا رسید و عملاً آن‌گونه که انتظار می‌رفت، رژیم مفاد یادداشت‌تفاهم امضاشده بین ایران و آمریکا اجرا نشده است.

ک **چرا؟**



محمدطاهر ربانی، سفیر پیشین جمهوری اسلامی ایران در قطر و واتیکان

چون انتظار این بود که اسرائیل بر اساس مفاد آتش‌بس در تفاهم‌نامه ایران و آمریکا، قواعد توافقی را رعایت کند و امنیت لبنان حفظ شود و از ادامه درگیری‌ها جلوگیری شود. اما در عمل، هم ایالات متحده و هم رژیم صهیونیستی اقداماتی تحریک‌آمیز انجام داده‌اند. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران تاکنون با هوشمندی، صبر، متانت و خویشترداری عمل کرده است. با این حال، درباره تنگه هرمز و نیز تفاهم‌نامه۱۴اماده‌ای میان ایران و آمریکا، تحولاتی رخ داده که جای تأمل دارد. از یک سو، مفاد توافق مربوط به لبنان به‌گونه‌ای اجرا شده که در موارد متعددی به زبان مردم لبنان تمام شده است. رژیم صهیونیستی همچنان به بهانه خلع سلاح کامل حزب‌الله، حضور نظامی خود را در بخش‌هایی از خاک لبنان ادامه داده و حتی اعلام کرده است تا زمانی که حزب‌الله خلع سلاح نشود، نیروهایش در مناطق اشغالی باقی خواهند ماند. این رویکرد از نگاه ما، با روح و مفاد توافقات انجام‌شده سازگار نیست و در واقع نوعی نقض تعهدات به شمار می‌آید. امروز نیز شاهد اعتراض‌های گسترده‌ای در داخل لبنان هستیم. بخش قابل توجهی از مردم و جریان‌های سیاسی این کشور بر ضرورت استمرار نقش آفرینی حزب‌الله تأکید دارند. آقای نبیه بری، رئیس پارلمان و رئیس جنبش امل لبنان نیز نسبت به این روند اعتراض کرده و آن را زمینه‌ساز فتنه‌ای بزرگ برای لبنان دانسته است. همچنین آقای ولید جنبلاط (از رهبران دروزی لبنان) نیز انتقاداتی نسبت به توافق میان لبنان و رژیم صهیونیستی مطرح کرده است.

ک **با این نکاتی که عنوان داشتید، برگردیم به اول مصاحبه که گفتید به آینده روابط ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس خوش‌بین هستید. ولی ذیل آنچه تحلیل کردید چگونه می‌توان خوش‌بین و امیدوار بود؟**

مجددا تأکید دارم درباره روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس، شخصاً چندان تأمید نیستم. هرچند در اجرای برخی مفاد تفاهمات مربوط به مدیریت ترد کشتی‌ها در تنگه هرمز، مشکلاتی ایجاد شد. قرار بود در دوره‌ای مشخص، عبور و مرور کشتی‌ها با مدیریت جمهوری اسلامی ایران انجام شود؛ اما ایالات متحده با اعمال فشار بر برخی کشورهای منطقه، از جمله عمان، تلاش کرد مسیر دریایی جدیدی خارج از چارچوب تفاهمات تعریف کند و بخشی از کشتی‌ها را از آن مسیر عبور دهد. از آنجا که این اقدام خارج از مفاد توافق بود و عملاً جایگاه مدیریتی جمهوری اسلامی ایران را نادیده می‌گرفت، ایران نیز در برابر آن ایستادگی کرد. هشدارهای لازم را داد و از خروج برخی کشتی‌ها از تنگه جلوگیری کرد. در مقابل، آمریکا اقداماتی انجام داد و برخی مناطق و جزایر متعلق به جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار داد.

با این‌همه، معتقدم این اقدامات بیش از آنکه نشانه تغییر موازنه باشد، تلاشی برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران است تا مدیریت این آبراه راهبردی از اختیار نیروهای مسلح ایران خارج شود. با این حال، بعید می‌دانم آنان در تحقق این هدف موفق شوند و جمهوری اسلامی ایران همچنان یکی از بازیگران اصلی در مدیریت این منطقه راهبردی باقی خواهد ماند. بر اساس اخباری که دریافت کرده‌ایم، قرار است هیئت مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی ایران در دوحه با هیئت آمریکایی دیدار کند تا درباره چارچوب، شیوه و ادامه مذاکرات گفت‌وگو شود. این موضوع می‌تواند در کاهش تنش‌ها و پیشبرد روند دیپلماتیک مؤثر باشد.

در مجموع، روابط جمهوری اسلامی ایران با اغلب کشورهای منطقه، از جمله عربستان سعودی، قطر، عمان و امارات متحده عربی، در مسیر عادی و دوستانه قرار دارد. به‌ویژه امارات نیز تلاش می‌کند روند عادی‌سازی روابط و اجرای مفاد تفاهمات ادامه یابد و سایه جنگ از منطقه دور شود. البته در این میان، مواضع برخی کشورها، از جمله کویت و بحرین، تا حدودی با رویکرد کلی کشورهای منطقه متفاوت است؛ اما اگر مذاکرات در مسیر سازنده خود پیش برود، انتظار می‌رود این کشورها نیز در چارچوب سیاست‌های جمعی شورای همکاری خلیج فارس حرکت کنند و در نتیجه، نگرانی جدی نسبت به آینده روابط منطقه‌ای وجود نداشته باشد.

ک **پیرو تحلیلتان، به نظر می‌رسد پس از امضای تفاهم‌نامه، ایالات متحده در تلاش است برخی از مهم‌ترین اهرم‌های راهبردی ایران را به‌تدریج از کارآمدی بپندازد. از یک سو، با پیشبرد مذاکراتی اولیه استلش درباره لبنان، عملا درصدد تغییر معادلات آن کشور برخلاف روح تفاهمات اولیه است؛ از سوی دیگر، در موضوع تنگه هرمز نیز اقداماتی را دنبال می‌کند که به نظر می‌رسد با مفاد توافق همخوانی ندارد. افزون بر این، در زمینه دارایی‌های مسدودشده ایران نیز بحث‌هایی مطرح است مبنی بر اینکه امکان استفاده از این منابع صرفا برای خرید کالاهایی مانند کتند ما محصولات آمریکایی فراهم خواهد بود یا شروط جدید دیگری که مطرح شده است. با توجه به این روند، آیا همچنان نسبت به آینده مذاکرات و تداوم تفاهم خویش‌بین هستید، یا این احتمال را می‌دیدید که این مسیر بار دیگر به افزایش تنش و حتی بازگشت به درگیری نظامی منجر شود؟**

به اعتقاد من، ترامپ در داخل ایالات متحده با فشارهای قابل توجهی از سوی کنگره، سناتورها، رسانه‌ها و مطبوعات آمریکایی روبه‌روست. بخش قابل توجهی از این انتقادات بر این محور استوار است که اساسا ورود آمریکا به این بحران دستاوردی برای این کشور نداشته است. حتی مطرح می‌شود که تنگه هرمز از ابتدا نیز باز بوده و این اقدامات در عین حال، صرفا موجب شده است ایران بیش از گذشته از این ظرفیت راهبردی به عنوان یک برگ برنده استفاده کند. از این رو، تصور می‌کنم بخشی از مواضع و رفتارهای اخیر ترامپ بیش از آنکه ناشی از تغییر راهبرد باشد، جنبه روانی و تبلیغاتی دارد. او در بهره‌گیری از جنگ روانی و مدیریت فضای رسانه‌ای تجربه فراوانی دارد و تلاش می‌کند برخی مسائل را به نفع خود مدیریت کند. با این حال من خوش‌بینم. چرا؟ چون تفاهم‌نامه میان رؤسای جمهور دو کشور به امضا رسیده و جمهوری اسلامی ایران قادر به اجرای تعهدات و حقوق خود ایستاده است. نه در موضوع تنگه هرمز و نه در بحث آزادسازی دارایی‌های ایران. جمهوری اسلامی از مواضع خود عقب‌نشینی نکرده است. موضوع آزادسازی اموال و دارایی‌های ایران نیز از سوی بانک مرکزی با جدیت در حال پیگیری است.

البته در این میان، اظهارات مختلفی نیز از سوی برخی کشورها مطرح می‌شود. برای نمونه، مقام‌های اماراتی اعلام کرده‌اند در دیدارهای خود با مقامات آمریکایی، موضوعاتی نظیر بازسازی یا پرداخت مبلغی تا ۳۰۰ میلیارد دلار اساسا مطرح نبوده است. به اعتقاد من، بخش مهمی از این‌گونه اخبار و اظهارنظرها در چارچوب جنگ روانی قابل ارزیابی است. به نظر می‌رسد طرف مقابل در شرایطی که هنوز فضای پس از جنگ کاملا تثبیت و مذاکرات نیز به‌صورت رسمی آغاز نشده، درصدد آزمون‌و‌واکنش جمهوری اسلامی ایران است. هدف آنان این است که رفتار و میزان انعطاف مذاکره‌کنندگان ایرانی را ارزیابی کنند و هم‌زمان شرایط را به‌گونه‌ای مدیریت کنند که از یک سو رضایت رژیم صهیونیستی را جلب کند و از سوی دیگر نگرانی کشورهای حوزه خلیج فارس را کاهش دهند.

شرق

خود اصل تفاهم ایران و آمریکا فارغ از معادلات پیش‌رو که چه سمت و سویی پیدا خواهد کرد، می‌تواند سرفصل تازه روابط تهران با همسایگانش در حاشیه خلیج فارس باشد؟

بله. البته کشورهای حاشیه خلیج فارس نسبت به برخی مفاد تفاهم‌نامه نگرانی‌هایی دارند؛ زیرا تصور می‌کنند امتیازاتی که جمهوری اسلامی ایران در این تفاهم دریافت کرده، فراتر از انتظارات آنان بوده است. از همین رو، تلاش می‌شود به‌تدریج برخی مفاد تفاهم‌نامه دست‌خوش تغییر یا تفسیرهای جدید شود و از استحکام اولیه آن کاسته شود. با وجود این، برداشت من این است که همه این اقدامات، بیشتر با هدف کسب امتیاز در مراحل بعدی مذاکرات صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، طرف مقابل می‌کوشد پیش از ورود مذاکرات به مراحل اصلی، موقعیت خود را تقویت کند تا در ادامه روند گفت‌وگوها، دست برتر را در چانه‌زنی و اخذ امتیازات بیشتر در اختیار داشته باشد.

ک **اجازه دهید بحث را به حوزه تخصصی شما یعنی قطر معطوف کنیم. در میانه جنگ، به نظر می‌رسید قطر برخلاف رویه سنتی خود، نقش میانجیگری‌اش را تا حدی کنار گذاشته و حتی عمان نیز حضور کم‌رنگ‌تری در این عرصه داشت؛ به‌گونه‌ای که در مقطعی، بار اصلی میانجیگری بر دوش پاکستان قرار گرفت. اما پس از مدتی، قطر بار دیگر به صحنه بازگشت و اکنون نیز، همان‌گونه که اشاره کردید، گویا قرار است دور جدید مذاکرات در دوحه برگزار شود که البته تا لحظه مصاحبه من با شما همچنان بلا تکلیف مانده است. ارزیابی شما از نقش آفرینی‌های قطر چیست؟**

به هر حال دولت‌های منطقه تحت تأثیر افکار عمومی کشورهای خود قرار دارند و نمی‌توانند این واقعیت را نادیده بگیرند. در میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس، قطر جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا همکاری‌های گسترده و مشترکی با جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در حوزه انرژی و میدان‌های مشترک گازی دارد. طبیعی است که در صورت بروز هرگونه بحران، یکی از کشورهایه که بیشترین آسیب را متحمل خواهد شد، قطر است. به همین دلیل، در جریان میانجیگری‌هایی که با محوریت اسلام‌آباد انجام شد، قطر نیز نقش بسیار فعالی ایفا کرد و حتی معتقدم تلاش‌های این کشور در نزدیک‌کردن دیدگاه‌های دو طرف، بیش از بسیاری از بازیگران دیگر بود. در نهایت نیز می‌توان گفت هم قطر و هم پاکستان در پیشبرد این روند تا حد زیادی موفق عمل کردند. افزون بر این، افکار عمومی جهان عرب و به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس، فشار قابل توجهی بر دولت‌های خود وارد می‌کنند تا از هرگونه تشدید تنش جلوگیری شود. قطر نیز به دلیل وابستگی متقابل اقتصادی و انرژی با جمهوری اسلامی ایران، بیش از هر چیز به دنبال حفظ ثبات، امنیت و آرامش در منطقه است و برخلاف برخی تصورها، نه‌تنها در پی ایجاد تنش نیست، بلکه تلاش می‌کند از هر اقدامی که به بی‌ثباتی منطقه بینجامد، جلوگیری شود. در همین چارچوب، قطر، عمان و در مقطع کنونی امارات متحده عربی، تلاش دارند جمهوری اسلامی ایران را برای مشارکت در یک چارچوب امنیتی منطقه‌ای ترغیب کنند. این همسایه‌ای است که پیش‌تر آقای دکتر ظریف نیز تحت عنوان «پیمان امنیت منطقه‌ای» مطرح کرده‌اند. هرچند در این زمان با استقبال لازم از سوی برخی کشورهای عربی مواجه نشد. اکنون به نظر می‌رسد این کشورها بیش از گذشته ضرورت چنین سازوکاری را احساس کرده‌اند و می‌کوشند اجرای آن را در چارچوب تفاهمات جدید دنبال کنند.

ک **در مقابله تحلیلتان حول با امیدواری و خوش‌بینی در آینده روابط ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس شده، دیدگاه دیگری نیز مطرح است. برخی معتقدند ممکن است پس از پایان مذاکرات و دستیابی احتمالی ایران و آمریکا به یک توافق نهایی، موج تازه‌ای از بیوستن کشورهای عربی به «پیمان ابراهیم» آغاز شود و عربستان سعودی نیز در اس این روند قرار گیرد. در ادامه نیز کشورهایی مانند کویت، قطر و عمان به این مسیر پیوندند. آیا شما چنین احتمالی را واقع‌بینانه می‌دانید؟**

واقعیت این است که امروز در شرایطی قرار داریم که هنوز همه ابعاد تحولات روشن نشده است. حتی در داخل کشور نیز دیدگاه‌های متفاوتی درباره آینده وجود دارد و این امر را طبیعی می‌دانم؛ چراکه طرح دیدگاه‌های مختلف، موجب یختمی بیشتر تحلیل‌ها خواهد شد. در چنین فضایی، هم نگرانی‌ها وجود دارد و هم امید به اینکه منطقه بتواند به ثبات و آرامش پایدار دست یابد. در مجموع، به نظر می‌رسد جهان معتقد توسعه معادلات منطقه پس از این جنگ دست‌خوش تغییر شده و خواهد شد و ایران پس از جنگ، با ایران پیش از آن تفاوت دارد. جایگاه و وزن منطقه‌ای جمهوری اسلامی افزایش یافته و کشورهای همسایه نیز این واقعیت را در محاسبات خود لحاظ کرده‌اند. برداشت من این است که بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس اکنون علاقه‌مندند جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان یک همسایه قدرتمند و تأثیرگذار در کنار خود داشته باشند. حتی شنیده‌ام که در برخی نشست‌های اخیر، مقامات آمریکایی نیز به دولت‌های منطقه توصیه کرده‌اند که برای کاهش مخاطرات امنیتی، روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران تقویت کنند؛ زیرا ایران کشوری است که توانسته توانمندی و پایداری خود را در عمل به اثبات برساند و نادیده‌گرفتن این واقعیت، با منافع و امنیت کشورهای منطقه سازگار نخواهد بود.

ک **در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، به نظر می‌رسد کویت و بحرین همچنان فاصله بیشتری با جمهوری اسلامی ایران دارند. این حالی است که امارات متحده عربی، با وجود آنکه تا همین چندین پیش سخن‌گفته‌ترانه‌تری سیاست‌ها را علیه ایران، ازجمله در زمینه بازداشت اتباع ایرانی، محدودیت‌های اقتصادی و مسدودسازی دارایی‌ها، دنبال می‌کرد، اکنون هیئت‌های امنیتی خود را به تهران اعزام کرده است. آیا این احتمال را می‌دیدید که کویت و بحرین نیز در آینده نزدیک، مانند امارات، در رویکرد خود نسبت به جمهوری اسلامی ایران تجدیدنظر کنند؟**

بله. چنین احتمالی را دور از ذهن نمی‌دانم. در کویت، تا زمانی که مرحوم شیخ صباح که سال‌ها وزیر امور خارجه و سپس امیر این کشور بود، زمام امور را در اختیار داشت، روابط با جمهوری اسلامی ایران بر پایه تجربه، شناخت و واقع‌بینی اداره می‌شد، اما پس از درگذشت ایشان و انتقال قدرت به امیر جدید، آقای شیخ مشعل، رویکردها بیش از گذشته رنگ و بوی امنیتی به خود گرفته است. به نظر می‌رسد نگاه امنیتی بر بسیاری از تصمیمات حاکم شده و این مسئله بر وضعیت ایرانیان و حتی شیعیان قیام کویت نیز تأثیر گذاشته‌است. در سال‌های اخیر، محدودیت‌هایی برای برخی از اقدامات جدید، مانند برخی محورها یا دشواری همراه بوده و حتی تابعیت برخی از افراد لغو شده است. همچنین گزارش‌هایی درباره اعمال محدودیت بر برخی مراکز و فعالیت‌های مذهبی، ازجمله تعطیلی مسجد آل‌باسین که سابقه‌ای طولانی در فعالیت‌های دینی داشته، منتشر شده است.

ک **در مورد بحرین چهطور؟**

در مورد بحرین نیز شرایط متفاوت است. متأسفانه این کشور در سال‌های اخیر روابط خود را با رژیم صهیونیستی به‌صورت آشکار گسترش داده، سفارتخانه‌ها میان دو طرف افتتاح شده و در مجموع، عملکرد دولت بحرین نسبت به جمهوری اسلامی ایران را نمی‌توان مثبت ارزیابی کرد. با این حال، معتقدم همان‌گونه که اقتدار و جایگاه جمهوری اسلامی ایران بیش از گذشته برای کشورهای منطقه آشکار می‌شود، این کشورها نیز ناگزیر خواهند بود در جهت تأمین امنیت و ثبات خود، رویکردی واقع‌بینانه‌تر اتخاذ کنند و به سمت همکاری‌های امنیتی و حفظ آرامش منطقه حرکت کنند.

ک **گفت‌وگوی کامل را در سایت شرق بخوانید**